

سیمای جامعه اقتصادی ایران در سفرنامه تاریخی آدام اولتاریوس (عصر صفویه)

دکتر آسیه ذبیح نیا عمران^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۷

چکیده

آدام اولتاریوس Adam Olearius (۱۵۹۹م.) یکی از جهانگردان مشهور آلمانی است که به مدت یکسال و نیم به عنوان منشی و مشاور سفیر در ایران اقامت داشت. وی در سفرنامه‌اش از اطلاعات و داده‌های گوناگونی از جمله اقتصاد و بازارهای ایرانی سخن گفته، دوران صفوی عصر رواج و رونق بازارهای ایرانی است. در این دوره کارکردهای اجتماعی و فرهنگی بازار بسیار با اهمیت بود، زیرا فضای بازار تنها به داد و ستد و بازرگانی اختصاص نداشت، بلکه به عنوان مهم‌ترین شاهراه حیاتی شهر برخی از عناصر فرهنگی و اجتماعی مهم شهری مانند مسجد جامع، مدارس مذهبی، خانقاه، گرمابه و... را در خود جای می‌داد و در عین حال با مراکز اداری و حکومتی نیز ارتباط می‌یافت. در سفرنامه اولتاریوس مهم‌ترین و اصلی‌ترین عملکرد بازارها، عملکرد اقتصادی آنهاست، که به عنوان یکی از منابع مهم شناخت ویژگی‌های اقتصادی جامعه ایران مورد توجه است. مقاله حاضر سعی دارد به بررسی سیمای اقتصادی، بازار، عواید مردم ایران در عصر صفوی از دیدگاه سیاح اولتاریوس بپردازد.

کلید واژه‌ها: سفرنامه، سیاحان، اقتصاد، بازار، آدام اولتاریوس.

۱. مقدمه

سفرنامه‌ها به عنوان یکی از منابع مهم تحقیقات و مطالعات تاریخی دارای اهمیت فراوان هستند. مطالب سفرنامه که یادداشت و گزارش مشاهدات و رویدادهای مسافران و سیاحان می‌باشند، بازگوکننده تاریخ و فرهنگ آن عصر از جنبه‌های مختلف بوده و به دلیل این‌که ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک ملت را از نزدیک نشان می‌دهند، در مقایسه با دیگر منابع تاریخی از امتیازات خاصی برخوردارند. جهانگردانی که در دوران صفوی به ایران سفر کردند، سیاحت‌نامه‌هایی درباره ایران نوشته‌اند که در مواردی از منابع مهم ایران‌شناسی و آگاهی از اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی دوران صفوی به‌شمار می‌روند. به‌جرات می‌توان گفت در هیچ عصری از ادوار تاریخی ایران، سیاحان خارجی به اندازه دوران صفوی درباره کشور ما از خود مطلب برجای نگذاشته‌اند. گذشته از اینکه مطالب هر نویسنده ای تحت‌تأثیر عقاید، باورها و آموخته‌های وی نیز است. با این وجود می‌توان واقعیات و حقایق امور را از لابلای ذهنیات نویسنده مشاهده و استخراج کرد. برای آنان مشاهده جامعه‌ای متفاوت، شگفت‌انگیز و شایان توجه بود و یکی از عوامل نگارش گزارش سفر به ایران بیان موضوعات متفاوت در ایران برای خوانندگان اروپائی بود. گزارش‌های اروپائیان سبب به وجود آمدن منابعی مکتوب برای تاریخ اجتماعی و فرهنگی - سیاسی دوره صفوی شد که اوضاع سیاسی و اجتماعی و آداب و رسوم مردم ما و وضع دربارهای صفوی را در آثار خود منعکس کردند. «در این سفرنامه‌ها، وجود تشابه و تمایز هویت‌های ملل مختلف و چگونگی فهم هویت و فرهنگ ملت میزبان، از زاویه دید مسافران به خوبی قابل درک می‌کند. به بیان دیگر، سفرنامه پیامی متقابل است که نویسنده خارجی به واسطه آن، از یک سو به هموطنان و همزبانان خود آگاهی و اطلاع می‌دهد و از سوی دیگر کشور میزبان را از دیدگاه دیگران نسبت به خود آگاه می‌کند. سفرنامه روایت زندگی بشر و داستان واقعی سرزمین‌ها و مردمان دور و نزدیک است که رفتارها، آداب و رسوم، علائق و ویژگی‌های زندگی انسان را در مکان‌های مختلف و زمان‌های قریب و بعید می‌نمایاند.»^۱ مسافران اروپایی، به ویژه کشیش‌ها، گزارش‌های مفصلی به‌صورت نامه یا سند، برای دوستان اروپایی یا تشکیلات واتیکان فرستاده‌اند که آن‌ها نیز به‌نوعی، در شناساندن اوضاع ایران عصر صفوی اهمیت زیادی دارد.^۲ برای پژوهشگران و محققان علوم اجتماعی زمان حاضر سفرنامه‌ها از منابع بسیار مهم تحقیق و بررسی احوال و کیفیات زندگی مردمان یک سرزمین در ادوار مختلف است. کتب تاریخی که همیشه مهم‌ترین منابع بررسی پیشینه یک ملت بوده‌اند، ثبت نظرهای کلی و جمعی

با دیدگاه‌های اداره کنندگان یک جامعه است. بنابراین سفرنامه‌ها منبع ارزشمندی برای مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی هستند.^۳ بعضی از این سفرنامه‌ها به سبب تسلط زیاد نویسنده به نوشتن و جزئیات زندگی مردم ایران دارای ارزشی خاص و ممتازند. سفرنامه مورد بحث مقاله، سفرنامه اولتاریوس است. یکی از موضوعاتی که در سفرنامه اولتاریوس دیده می‌شود، معرفی بازارهای متعدد و کالای ایرانی و. است. بازار به جهت ویژگی‌های ذاتی خود که محل اجتماع و داد و ستد مردم می‌باشد و هم از آن جهت که در دوره پادشاهان صفوی، به ویژه شاه عباس اول به خاطر انجام طرح‌های نوین شهر سازی، کارکردهای مختلفی علاوه بر نقش اقتصادی و تجاری خود به دست می‌آورد به یک عنصر و محور مهم در توسعه شهری مبدل می‌گردد. رشد و توسعه ای که جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهر را در بر گرفته و آثار آن هنوز در شهرهای مختلف ایران از جمله اصفهان - پایتخت صفویه - قابل مشاهده است.

۲. ضرورت و پیشینه تحقیق

تاکنون سیمای جامعه اقتصادی ایران در سفرنامه آدام اولتاریوس کار نشده، اما برخی از آثار مرتبط با موضوع سفرنامه به شرح زیر است:

دانش پژوه در کتابی به نام «تا پخته شود خامی»، که در سال ۱۳۸۰، توسط نشر ثالث در دو جلد به چاپ رسیده، مجموعه سفرنامه خارجیانی را که از ایران دیدن کرده‌اند، معرفی کرده است.^۴ دانش پژوه همچنین در کتاب «بررسی سفرنامه‌های عصر صفوی»، بطور کلی چند سفرنامه مهم عصر صفوی را معرفی و بررسی نموده و انتشارات فرهنگستان هنر آن را در سال ۱۳۸۵ منتشر کرده است.^۵

پایان نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد، با عنوان «بازنمایی فرهنگ مردم ایران در آثار سفرنامه نویسان اروپایی (فرانسه، انگلیس، آلمان) از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه» بوسیله کامران رحمانی در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۹۰ نوشته شده است.^۶

پایان نامه دیگری نیز با عنوان «تأثیر سفرنامه‌های دوره قاجاریه بر نشر فارسی» توسط فرنگیس شاهرخی در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ در دانشگاه شهید بهشتی نوشته شد.^۷

مقاله «آدام اولئاریوس، پیشتاز سفرنامه‌نویسان آلمانی دربارهٔ ایران» از عبادا. حیدری دانشجوی دکتری زبان آلمانی که در شماره ۵۸ سال چهاردهم مجله دانشکده علوم انسانی به چاپ رسیده است.^۸

رسول جعفریان، در کتاب «صفویه از ظهور تا زوال» کهن‌ترین سفرنامه‌ها را معرفی و بررسی کرده است.^۹ روح انگیز کراچی، در سال ۱۳۸۱، کتابی با عنوان «دیدارهای دور، پژوهشی در ادبیات سفرنامه‌ای همراه با کتاب‌شناسی سفرنامه‌های فارسی» نوشته است.^{۱۰}

پایان نامه کارشناسی ارشد، به سال ۱۳۸۳، با عنوان «بررسی فرهنگ دینی مردم در سفرنامه‌های عصر صفوی» بوسیلهٔ فرزانه شهبازی در دانشگاه الزهرا نوشته شد.^{۱۱} پایان نامه دیگری در سال ۱۳۸۸، توسط اکرم جعفری، با عنوان «سیمای جامعه ایرانی در سفرنامه‌های دوره شاه عباس اول صفوی» در دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان نوشته شد.^{۱۲}

۳. مباحث نظری تحقیق

۳.۱. سفرنامهٔ تاریخی آدام اولئاریوس

آدام اولئاریوس Adam Olearius در سال ۱۵۹۹ م در شهر آشرزلین Aschersleben در ایالت شلزویگ Schleswig آلمان در خانواده کفاح فقیری به دنیا آمد. در سال ۱۶۲۰ م در رشته علوم دینی در دانشگاه لیبزیگ Leipzig مشغول تحصیل گردید، و بعد از اتمام تحصیلات در سال ۱۶۲۷ م در همان دانشگاه به تدریس زبان لاتین پرداخت. به درخواست کززیوس Phipp Crusius مشاور حقوقی گراندوک به عنوان دبیر اول به دربار در زمان شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه ق) آمد در آن زمان که اسپانیا کشور قدرتمندی بود، به فکر افتاد به کمک دانمارک راهی برای نفوذ به بازار ایران پیدا کند. گراندوک، فیلیپ کززیوس، مشاور حقوقی و اتوبروگمان تاجر را برای سفارت به روسیه و ایران انتخاب کرد. آن‌ها یک گروه ۳۴ نفری را به عنوان کارمندان اصلی سفارت برگزیدند و چون کززیوس با دانشگاه لپزیگ در تماس بود، آدام اولئاریوس را برای این سفر انتخاب کرد و به فرمان فردریش سوم، مقام مستشار و دبیر اول را بر عهده گرفت. در ژوئن ۱۶۳۷ با صدور اجازه از دربار اصفهان هیات نمایندگی آلمان از پل سفید که در زمان شاه طهماسب و به امر او در قرن دهم میلادی ساخته شده بود، گذشت و شهرهای سلطانیه، قزوین، ساوه، قم و کاشان را پشت سر گذاشت و در تاریخ سوم اوت

۱۶۳۷ مطابق ۱۰۴۷ هجری به اصفهان رسید. در چند کیلومتری شهر اصفهان یکی از رجال درباری و دو نفر از ارامنه جلفا که مهماندار هیأت بودند به استقبالشان آمدند و آن‌ها را در جلفا منزل دادند. شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق.) فرمان داد تا وسایل آسایش و مایحتاج آن گروه را از هر لحاظ تامین کنند. و چند هفته بعد آن‌ها را به حضور طلبید. در روز شرفیابی هیات، شاه صفی، لباس زرین که با پوست خز مشکی حاشیه دوزی شده بود در برداشت، و عمامه بر سر گذاشته بود که جواهر آبدار و گرانبهایی بر آن می‌درخشید، و پر بلندی نیز بر آن زده بود. هیات آلمانی هدایای نفیسی و جالبی که همراه آورده بودند، بوسیله چند نفر از کارکنان دربار جلو تخت شاه صفی گذاردند. هدایا عبارت بود از یک دست لباس جنگی طلا کاری شده، چهل دست طپانچه، پوست‌های گران‌بهای خز، قوطی‌های طلا و جواهرنشان محتوی داروهای گوناگون و یک شمعدان زیبای سی شاخه که در آن ساعتی قرار داشت. وقتی هیأت نمایندگی آلمانی به دربار وارد شد؛ فلیپ کروزیوس خطابه‌ای به زبان لاتینی ایراد کرد، که بوسیله نماینده مذهبی پرتغال در دربار ایران به فارسی ترجمه شد. اولناریوس آدام در شرح جزئیات این شرفیابی می‌نویسد که موقع ناهار فرا رسید و پنجاه نوع غذا در ظروف طلایی بر سر سفره آوردند. این هیات پنج ماه در اصفهان توقف کرد، و در این مدت علاوه بر ضیافت‌هایی که از طرف شاه و وزیر اعظم و ارامنه جلفا به افتخار آن‌ها داده می‌شد بطور خصوصی هم به حضور شاه می‌رسیدند و با او به شکار می‌رفتند. از طرف شاه صفی هم هدایای نفیسی به اعضای هیات نمایندگی آلمانی داده شد. که از جمله آن‌ها اسبان اصیل با زین و برگ نقره‌کاری شده، البسه ایرانی و یکصد و پنج نوع حریر ساده، اطلس، حریر گلدار، تافته و چلوار و علاوه بر آن خلعتی معادل دویست تومان که به نرخ آن زمان معادل ۳۳۳۳ سکه دانمارکی می‌شد. هیأت نمایندگی تا اواخر سال ۱۶۳۷ در جلفا ماند، ولی بدون انعقاد قرارداد بازرگانی در مورد خرید ابریشم ایران در اول اوت ۱۶۳۹ به آلمان مراجعت کنند. اولناریوس در سال ۱۶۴۷ سفرنامه اش را به چاپ رساند. در این سفر بزرگ، انگیزه‌های سیاسی هم دخیل بود، چون آن‌ها نگرانی شدیدی از توسعه قلمرو به وسیله ترکان عثمانی داشتند. بدین جهت در صدد یافتن متحدی برای خود در آن سوی عثمانی بودند. این بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سفارتی بود که در قرن ۱۷ م از آلمان به ایران اعزام شد. اولناریوس در آغاز سفر ۳۴ سال داشت و چون با زبان‌های ترکی و فارسی آشنا بود، مطالعاتی در زندگی مردم ایران نموده و خاطرات سفر خود را روزانه یادداشت می‌کرد.

۴. بحث و بررسی

۴. ۱. سیمای جامعه اقتصادی ایران در سفرنامه تاریخی اولتاریوس

۴. ۱. ۱. پول ایران

پول مقیاس مشترک ارزش‌ها و واسطه مبادلات است.^{۱۳} در دوره صفویه استفاده از مسکوکات طلا چندان رایج نبود و هر بار که پادشاهی تاجگذاری می‌کرد به منظور قدرت و تجمل و بذل و بخشش، فرمان ضرب سکه طلا می‌داد.^{۱۴} اولتاریوس در سفرنامه خود در این باره نقل می‌کند: «پولی که در ایران در دست مردم بوده و با آن معاملات و خرید و فروش انجام می‌شود سکه‌های نقره و مس است و سکه طلا کم‌تر برای خرید و فروش بکار می‌رود.»^{۱۵} اما سکه‌های مسی که بطور کلی به آن‌ها پول می‌گویند. هر چهل سکه معادل یک سکه عباسی نقره هستند. در مورد سکه‌های مسی این نکته قابل ذکر است که هر شهری سکه مخصوصی برای خود دارد و این سکه‌ها سالی یک بار ضرب شده و نقش و شکل آن‌ها تغییر می‌کند. در پایان سال این سکه‌ها اعتبار خود را از دست داده و در سال نو سکه‌های جدیدی با نقشی تازه ضرب می‌شوند.^{۱۶}

۴. ۱. ۲. بازارهای پر رونق ایرانی در عهد صفوی

شهر آباد را می‌توان از بازارش تشخیص داد؛ لذا بازار نکو همان اقتصاد پررونق، یعنی کسب و کار خوب و درآمد عالی است. تجارت به عنوان مهم‌ترین شکل مبادله اجتماعی، از جمله فعالیت‌های اصلی انسان به شمار می‌رود. فعالیتی که سبب احداث فضاها و مکان‌های ویژه ای به نام بازار به شکل‌های گوناگون می‌شود. «ایجاد بازارهای طرح‌ریزی شده و از پیش اندیشیده شده از زمان صفویه مورد توجه شاهان واقع گردید.»^{۱۷} در عصر صفویه، در ساختار شهری، «بازار و اصناف ویژه ای داشتند. بازار منبع درآمد و در واقع نبض تپنده اقتصاد محسوب می‌شد. اصناف مختلف در نواحی گوناگون بازار تجمع داشتند و قسمتی از بازار به نام آنان اختصاص می‌یافت، مثلاً در مورد اصناف بازارهای اصفهان می‌توان بدین موارد اشاره کرد: بازار قنادها، بازار کلاه‌دوزها، بازار متقال فروش‌ها...»^{۱۸} بازارهایی که در سفرنامه اولتاریوس به آن‌ها اشاره شده به شرح زیر است:

۴. ۱. ۲. ۱. بازار پُر رونق خراسان بزرگ

پایه‌های اقتصادی دوره صفویه بر اساس گله‌داری و کشاورزی استوار بود. مردم ایران غالباً کشاورز و ساکن روستاها بودند و گله‌داران بیش‌تر ایلات محسوب می‌شدند و به بیلاق و قشلاق می‌پرداختند.^{۱۹} پیدایش کشاورزی و دامداری یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد بازارهای اولیه به‌شمار می‌رود. افزایش محصولات کشاورزی و دامی باعث تولید مازاد شده و امکان مبادله کالاها را فراهم آورد. اولتاریوس خاک حاصلخیز خراسان بزرگ را می‌ستاید و به وصف اقتصاد پررونق این استان بزرگ می‌پردازد: «خراسان خاک حاصل‌خیزی با شهرهای مهم پرجمعیت دارد و از این حیث در میان ایالات دیگر بدون رقیب است. غالب شهرهای آن مراکز مهم تجارت بوده و در آن‌ها انواع و کالاهای خرید و فروش می‌شود و مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهر آن «مشهد» است. نیشابور شهر دیگری از خراسان است که نزدیکی مشهد قرار دارد و در کوه‌های اطراف آن معادن فیروزه‌ای است که برای شاه این جواهرات را استخراج می‌کنند.»^{۲۰} هرات، بعد مشهد، بزرگ‌ترین و زیباترین شهر خراسان به‌شمار می‌رود و در آن فرش‌های عالی می‌بافند. تجارت هرات در دست هندی‌هایی است که به ایران مهاجرت کرده‌اند. تون و طیس از شهرهای مهم دیگر خراسان هستند که در آن‌ها پارچه‌های ابریشمی می‌بافند.^{۲۱}

۴. ۲. ۲. ۱. بازار شماخی و بازار اردبیل

اولتاریوس از بازار پُر رونق شماخی نام می‌برد و ارزانی کالای آن را می‌ستاید. او در وصف بازار شماخی می‌گوید: این بازار در قسمت جنوبی شهر قرار داشت و بازار بزرگی بود با چند کوچه سرپوشیده که در آن جا حجره‌هایی با انواع و اقسام کالا و اجناسی از قبیل کتان، ابریشم، نقره و طلاآلات، تیر، کمان، شمشیر و سایر صنایع دستی بود که می‌توان آن‌ها را با قیمت ارزان خریداری کرد. کنار بازار دو محل خرید و فروش با دالان و حجره‌های مجزاست که در آن‌جا سوداگران بیگانه اجناس را بطور عمده معامله می‌کنند. یکی از آن‌ها کاروان‌سرای شاه نام دارد که روس‌ها در آن‌جا به تجارت فلز، روی، مس، چرم دباغی شده و پوست سمور روسی می‌پردازند.^{۲۲}

اولتاریوس بازار اردبیل را چنین معرفی می‌کند: «اردبیل دارای میدان بزرگ و گردشگاه و محل خرید است که در حدود سیصد قدم طول و نصف این مقدار عرض دارد. در اطراف میدان دکان‌های زیادی ساخته شده که اصناف مختلف در آن مشغول کار و فروش تولیدات خود هستند.»^{۲۳}

۴. ۱. ۲. ۳. بازار بزرگ اصفهان

بازار مکان اصلی تجارت و پیشه‌وری در شهر اسلامی است، که دارای کالبد و شکل خاص خود می‌باشد و شریان اتصال دهنده دروازه‌های شهر به مرکز آن بوده و در اطراف آن بناهای مهم عمومی هم‌چون مسجد، مدارس، حمام، ... شکل می‌گرفت. بازار در جهات گوناگون و در امتداد گذرهای اصلی شهر گسترش می‌یافت، گذرهایی که دروازه‌ها و محلات مسکونی شهر را به میدان وصل می‌کردند. بازار اصلی معمولاً از یک میدان عمده شهر شروع می‌شد و غالباً از طریق دو یا چند مرکز فرهنگی رونق می‌یافت. بازار اصلی، شارع عام داخل شهر را تشکیل می‌داد. بازار اصفهان از عصر صفویه تا به امروز نقش اقتصادی قابل توجهی را در حیات شهر به عهده داشته و حتی در عصر صفویه یک مرکز اقتصادی در سطح جهان محسوب می‌شد. رونق تجاری در عصر صفوی نشانه اقتدار حکومت و تمایل پادشاهان این سلسله بویژه شاه عباس اول به پیشرفت‌های اقتصادی کشور بود. بازار اصفهان در طول تاریخ همواره محل برخورد عقاید و افکار مختلف و مرکز فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی بود. خریداران و فروشندگان معمولاً از آخرین اخبار شهر و گاهی کشور آگاهی پیدا می‌کردند؛ زیرا همجواری دکان‌ها و حجره‌ها و عدم وجود در و پنجره، بیش از پیش در نزدیکی بازاریان به همدیگر مؤثر بوده و بحث و گفتگو در مورد مسائل مختلف میان آن‌ها را به سهولت امکان پذیر می‌کرد.^{۲۴} اولتاریوس جغرافیای بازار بزرگ اصفهان و کالای تجاری آن را چنین وصف می‌کند: «بازار بزرگ اصفهان به چندین کوچه سرپوشیده یا بازارهای فرعی هم تقسیم می‌شود که در آن کلیه کالاهایی را که انسان مایل باشد می‌تواند به دست آورد و هر نوع جنسی را از یک قسمت از بازار که صنف خاصی در آن دکان دارند می‌توان خریداری کرد.»^{۲۵} سپس اولتاریوس در ادامه سخنانش چنین نقل می‌کند: «در اول بازار و نزدیک مسجد دکان بزرگی بود که در آن علاوه بر انواع و اقسام کالاها و اجناس ریشه‌های گیاهان طبی و داروهای مختلف را که از چین و تاتار به ایران می‌آوردند نیز برای فروش عرضه می‌کردند.»^{۲۶}

۴. ۱. ۲. ۱. کاروان‌سراهای تجاری اصفهان

کاروان‌سراها را می‌توان مهم‌ترین فضای طراحی شده در بازارها دانست. یکی از علل پیدایش کاروان‌سراها، محدود بودن طول راسته‌های بازار بوده است. وقتی که بازار اصلی یک شهر توسعه می‌یافت تعدادی کاروان‌سرا در پشت راسته اصلی و گاه در کنار راسته‌های فرعی ساخته می‌شد تا بدین وسیله

پاسخگوی نیاز موجود به فضاهای تجاری بیش تر باشد. کاروان‌سراها فضاهایی روباز و با یک حیاط مرکزی بودند که حجره‌هایی در چهار سمت آن در یک یا دو طبقه ساخته می‌شد.^{۲۷} کاروان‌سراهای در دوره صفویه نخستین مکان‌هایی بودند که کاروانیان تازه وارد با فرود آمدن در آن‌ها اخبار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهرهای خود و دیگر بلاد را بازگو می‌کردند و این اخبار پس از بازار در سایر نقاط شهر نیز منتشر می‌شد. بازار اصفهان در جشن‌های ملی و مذهبی و گاهی نیز به خاطر فتوحات شاهانی هم چون شاه عباس اول آذین بندی می‌شد و مردم شهر برای مشارکت در جشن در بازار اجتماع می‌کردند. در عصر صفویه گاهی از مهمانان و نمایندگان سیاسی خارجی در بازار و عمدتاً در چهار سوق پذیرایی می‌شد. اولتاریوس در وصف کاروان‌سراهای تجاری اصفهان می‌گوید: «چون اصفهان مرکز تجارت ایران بوده و در آن معاملات زیادی صورت می‌گیرد، کاروان‌سراهای متعددی در قسمت‌های مختلف این شهر وجود دارد که در حجرات آن‌ها تجار مشغول معامله بوده و اجناس خود را هم در انبارهای آن‌ها می‌گذارند. این کاروان‌سراها عموماً محوطه وسیعی هستند، چهار گوش که دیوارهای بلندی آن‌ها را احاطه کرده است و دور تا دور حیاط آن‌ها ساختمانی دو یا سه طبقه وجود دارد که در این ساختمان‌ها تجار خارجی سکونت هم دارند و ضمناً دفاتر و انبارهایشان نیز در آنجاست.»^{۲۸}

۴. ۱. ۲. ۴. تجارت در کرمان

اولتاریوس در سفرنامه خود، ابتدا به معرفی جغرافیایی کرمان می‌پردازد، سپس بازار کرمان و کالاهای آن را معرفی می‌کند. او مهم‌ترین کالای تجاری کرمان را گلاب، فرش و گیاهان دارویی می‌داند: «کرمان ایالت وسیع و پهناوری است که مابین فارس و سیستان واقع شده است و تا سواحل دریای عمان و جزیره هرمز که تنگه خلیج فارس هم به همین نام، نامیده می‌شود امتداد دارد. در این سرزمین، کوهستان‌های زیاد و دره‌های زیبایی وجود دارد که در این دره‌ها انواع واقسام گل‌های وحشی و رز می‌روید و میوه‌جات مختلف نیز عمل می‌آید. کرمانی‌ها هرساله از این گل‌های وحشی کوهسارها و دره‌ها ماده معطری می‌گیرند که آن را «گلاب» می‌نامند... در کرمان گلاب را به مقدار زیاد تولید کرده و به نقاط دیگر ایران می‌فرستند و گلاب بعد از فرش کرمان شهرت زیادی دارد. در کرمان گیاهان طبی هم وجود دارد که از آن‌ها داروهایی درست می‌کنند و یکی از این داروها بر ضد کرم به کار می‌رود که در کرمان زیاد است و به همین جهت هم نام کرمان به آن داده اند.»^{۲۹}

۴. ۱. ۲. ۵. تجارت ابریشم در گیلان

تجار ایرانی از زمانی که پرتغالی‌ها از منطقه خارج شدند رأساً به صدور ابریشم پرداختند. آنچه در تجارت برای دولت صفویه اهمیت داشت، نقدینگی کالا بود و ابریشم کالایی بود که مهم‌ترین منبع نقدینگی برای دولت ایران محسوب می‌شد.^{۳۰} آدام اولتاریوس در سفرنامه خود در زمینه صنعت ابریشم گیلان نوشته است: «گیلان در میان استان‌های ایران از نظر تولید ابریشم رتبه اول را دارد و به تنهایی محصول آن ۸۰۰۰ عدل ابریشم است. تربیت کرم ابریشم درآمد بسیار زیادی دارد و یکی از اقلام مهم تجارت ایران به خارج را ابریشم تشکیل می‌دهد. طبق محاسباتی که شده است، هر ساله در ایران، حدود ۲۰۰۰۰ عدل ابریشم تولید می‌گردد و هر عدل معادل ۲۱۶ پوند است. از هر عدل ابریشم که در داخل کشور مصرف می‌گردد معادل ده تالر (۳۰ مارک) عوارض برای خزانه شاه می‌گیرند.»^{۳۱}

۴. ۱. ۳. مالیات

اولتاریوس، در سفرنامه از اخذ مالیات سنگین شاهان صفوی متحیر است. او تنها نکته اساسی را که برای اخذ مالیات و خراج ذکر می‌کند، بالا بودن نرخ پرداخت مالیات و خراج بوده است. او شاهان صفوی را به سبب وصول مالیات سنگین برای ولخرجی‌های درباری مذمت می‌کند. بالا بردن نرخ مالیات در عهد صفویه چند بار منجر به اعتراض و شورش بازاریان شد. نخستین قیام مهم بازاریان در برابر ستم حکومت صفوی در عهد شاه تهماسب اول روی داد؛ زیرا وی میزان مالیات‌ها را افزایش داده بود. اقدام سیاسی مهم دیگری از سوی بازاریان در مقابله با ستم صاحب‌منصبان حکومتی توسط مردم اصفهان در زمان حکومت شاه عباس دوم به انجام رسیده است. در این مورد بازاریان و پیشه‌وران از رفتار ظالمانه داروغه اصفهان به دیوان بیگی دربار شکایت کردند، وی در رسیدگی ناکام ماند. سپس حرکت اعتراضی در بازار شاهی آغاز شد و به دیگر محلات اصفهان نیز گسترش یافت در نتیجه بازار به تدریج به تعطیلی کامل کشیده شد. در ادامه پیشه‌وران اعتراض سیاسی صلح آمیز خود را با دیگر اهالی شهر که در بازار شاغل نبودند هماهنگ ساختند. سرانجام معترضان به روحانی برجسته ملامحسن مجتهد متوسل شدند و به خاطر وساطت وی، شاه عباس دوم داروغه را برکنار و حتی بنا به خواست مردم، دیوان بیگی را هم از وظایفش سبک دوش نمود.^{۳۲} هم چنین قیامی از سوی ابریشم بافان رشت و لاهیجان در مخالفت با بهای اندک تعیین شده برای محصولشان توسط دربار که ناشی

از انحصار ابریشم شاهی بود در سال ۱۰۳۶ ق. صورت گرفت که منجر به لغو سریع انحصار کالا به دستور شاه صفی گردید. به عبارات زیر از سفرنامه اولتاریوس که در باب مالیات و عوارض شهرهای مختلف ایران است توجه فرمایید: «عواید سالانه شاه به رقم بزرگی می‌رسد و برابر تخمینی که برای ما زده اند، بیش از هشت میلیون تالر می‌شود، زیرا نه تنها ایالات و شهرها مکلف به پرداخت مالیاتهای سنگین اند، بلکه وجوهات گمرکی، حق الامتیازها و هدایا نیز از منابع بزرگ درآمد است که نصیب شاه می‌شود.»^{۳۳}

۴. ۱. ۳. ۱. میزان پرداخت مالیات گمرکی شهرهای ایران

یکی از جنبه‌های تجارت همانا تجارت خارجی است که شاه عباس با اقدام به انحصار ابریشم و صدور آن به ممالک اروپایی به خوبی از عهده آن برآمد. بی‌شک یکی از مهم‌ترین ابزار مورد نیاز برای شکوفایی و توسعه تجارت وجود مراکز اقتصادی قدرتمند و به بیان دیگر بازاری توانا و مستحکم است. از این رو در دوره حکومت شاه عباس اول و جانشینان وی، بازار اصفهان که نماد تجارت و بازرگانی شهر است به رشد و توسعه خیره‌کننده‌ای هم از لحاظ شکل و معماری و هم از نظر حجم معاملات دست می‌یابد که قابل مقایسه با ادوار پیشین نبود. اولتاریوس از میزان عوارض گمرکی چه برای مردم ایران و چه برای خارجی‌ها گلایه‌مند است و بالا بودن نرخ عواید گمرکی او را متأثر و متعجب می‌کند، بویژه این که تمامی مالیات‌ها، برای امور شخصی شاهان صفوی مصرف می‌شد. شنیدن عبارات اولتاریوس در این باره خالی از لطف نیست: «در زمان شاه طهماسب مالیات‌های گمرکی برای تمام ایالات در نظر گرفته شد که بعداً شاه عباس کبیر و شاه صفی به مقدار آن اضافه کردند. چه اهالی بومی و چه ساکنان خارجی، نه تنها در مرزها، بلکه درون مملکت و در محل‌های اصلی معاملات و در بسیاری از جاهای دیگر، مانند گذرگاه‌ها و پل‌ها، مالیات گمرکی می‌پردازند. کالاها به خصوص ابریشم حق الامتیاز زیادی دارد. از هر عدل ابریشم که در درون کشور تهیه می‌شود، ده تالر به شاه تعلق می‌گیرد. گیلان هشت هزار عدل، مازندران دو هزار عدل، شیروان سه هزار عدل، گرجستان و ارمنستان پنج هزار عدل، قره باغ دو هزار عدل تولید می‌کنند. جز این‌ها آنچه که خراسان و سایر مناطق، که چندان هم ثروتمند نیستند، ولی روی هم رفته عواید نسبتاً خوبی دارند به شاه می‌پردازند، نیز قابل توجه است.»^{۳۴}

۴. ۱. ۳. ۲. شرایط مالیات‌دهندگان

اولتاریوس درباره مالیات‌دهندگان چنین می‌نویسد: «تمام کسانی که دارای شغلی هستند و از شاه حقوقی دریافت نمی‌کنند باید مالیات‌های سنگینی بپردازند، حتی قابله‌ها و بسیاری دیگر نظیر آنان که به سبب تعدد این مشاغل قادر نیستیم از همگی نام ببریم. تعارفات و پیشکش‌های سالانه خوانین و دیگران نیز منبع درآمد بزرگی برای شاه است.»^{۳۵}

۵. نتیجه

در عصر صفویه با گشایش راه اقیانوس اطلس، روابط غرب و شرق گسترش فراوانی یافت. از جمله پی‌آمدهای این حرکت، رونق مسافرت‌های دریایی و ورود سیاحان اروپایی به شرق بود. در این شرایط و به دنبال ورود شمار فراوانی از سیاحان اروپایی به ایران، ادبیات سفرنامه‌ای در دوران صفوی، از نظر کمی و کیفی، رشد گسترده‌ای یافت. برقراری روابط سیاسی، فرهنگی و مذهبی سبب ایجاد ارتباط با سایر کشورهای دیگر از جمله اروپایی‌ها در دوره صفوی شد. این ارتباطات در هر زمینه‌ای، ورود گروهی از نمایندگان آن کشورها را به ایران فراهم کرد. سفرنامه اولتاریوس نیز منبع ارزشمند و مهمی برای محققان ایران در باب سیمای جامعه ایران عصر صفویه به شمار می‌رود. سیاح اولتاریوس در کنار بیان بسیاری از اخلاق و عادات ایرانیان، به دلیل حضور در دربار و پایتخت ایران، در طول مسیر خود از شهرهایی عبور کرده که براحتی می‌توانست به ترسیم سیمای جامعه ایران از جمله مسایل اقتصادی شهرها را مدنظر قرار دهد، این سیاح در کنار تعاریف و بررسی جوانب مختلف زندگی ایرانیان، جانب انصاف را رعایت کرده، و در کنار بیان ذمائم از فضایل هم غافل نشده؛ هر چند که نویسنده سفرنامه یک فرد اروپایی است، و دغدغه‌های ایرانیان بطور کامل در این سفرنامه رعایت نشده است.

اولتاریوس مهم‌ترین کالای صادراتی ایران را در عصر صفویه به ترتیب: ابریشم، فرش، گلاب، گیاهان دارویی معرفی می‌کند؛ امری که موجبات حیرت او را فراهم می‌سازد عواید حاصله از درآمد ارزی کشور است که در دربار به مصرف شخصی شاه و درباریان می‌رسید. او از نرخ بالای عوارض گمرکی، چه برای ایرانیان و چه برای تجار خارجی گلایه‌مند است. در مجموع، اولتاریوس از وصول مالیات سنگین عصر صفویه ناراضی و آزردده است، بویژه این که بخش اعظم آن خرج هزینه‌های شاه صفویه و اطرافیان می‌شد.

پی نوشت ها:

- ^۱ دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۵) بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی، اصفهان: انتشارات فرهنگستان هنر. ص ۲۰.
- ^۲ جعفریان، رسول (۱۳۸۵) صفویه از ظهور تا زوال، تهران: کانون اندیشه جوان. ص ۳۴۰.
- ^۳ ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۰) تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مأخذ، شیراز: انتشارات نوید شیراز. ص ۱۸۹.
- ^۴ دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۰) تا پخته شود خامی، تهران: نشر ثالث.
- ^۵ دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۵) بررسی سفرنامه‌های عصر صفوی، تهران: فرهنگستان
- ^۶ رحمانی، کامران (۱۳۹۰) بازنمایی فرهنگ مردم ایران در آثار سفرنامه نویسان اروپایی (فرانسه، انگلیس، آلمان) از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ^۷ شاهرخ، فرنگیس (۱۳۷۹) تأثیر سفرنامه‌های دوره قاجاریه بر نثر فارسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
- ^۸ حیدری، عبدالله (۱۳۸۴) آدام اولتاریوس، پیشتاز سفرنامه نویسان آلمانی درباره ایران، مجله دانشکده علوم انسانی، شماره ۵۸، سال چهاردهم. مرداد و شهریورماه، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- ^۹ جعفریان، رسول (۱۳۸۸) سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، تهران: انتشارات علم.
- ^{۱۰} کراچی، روح انگیز (۱۳۸۱) دیدارهای دور، پژوهشی در ادبیات سفرنامه‌ای همراه با کتاب‌شناسی سفرنامه های فارسی، تهران: انتشارات چاپار.
- ^{۱۱} شهبازی، فرزانه (۱۳۸۳). بررسی فرهنگ دینی مردم در سفرنامه های عصر صفوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا.
- ^{۱۲} جعفری، اکرم. (۱۳۸۸) سیمای جامعه ایرانی در سفرنامه های دوره شاه عباس اول صفوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رفسنجان، دانشگاه ولی عصر(عج).
- ^{۱۳} ملکی، خلیل. (۱۳۵۸). فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی. تهران: رواق. ص ۲۶۸.
- ^{۱۴} نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۰) ایران و جهان، تهران، نشر هما. ج ۱، ص ۲۹۴.
- ^{۱۵} اولتاریوس، آدام (۱۳۶۹) سفرنامه آدام اولتاریوس، ترجمه حسین کرد بچه، تهران: شرکت کتاب برای همه. ص ۶۱۱.
- ^{۱۶} همان: ص ۶۱۳.

- ۱۷ سرائی، محمد حسین (۱۳۸۹) "تحولات بازارهای ایرانی- اسلامی (مطالعه موردی بازار یزد)"، *مجله علمی و پژوهشی*، شماره دوم، ص ۲۶.
- ۱۸ باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۴۸) *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: انتشارات صفی علیشاه. ص ۱۵۱.
- ۱۹ سیوری، راجر (۱۳۶۶) *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، ج ۲، تهران: انتشارات سحر. ج ۲، ص ۱۶۷.
- ۲۰ اولتاریوس، آدام (۱۳۶۹) *سفرنامه آدام اولتاریوس*، ص ۵۹۷.
- ۲۱ همان: ص ۵۹۸.
- ۲۲ اولتاریوس، آدام (۱۳۶۳) *سفرنامه اولتاریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار. ص ۸۷.
- ۲۳ اولتاریوس، آدام (۱۳۶۹) *سفرنامه آدام اولتاریوس*، ص ۴۹۴.
- ۲۴ بیگلری، اسفندیار. (۱۳۵۵). *بازارهای ایران، تهران: مجله هنر و معماری*، شماره ۳۳-۳۴. ص ۴۳.
- ۲۵ اولتاریوس، آدام (۱۳۶۳) *سفرنامه اولتاریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار. ص ۶۱.
- ۲۶ همان: ص ۶۱.
- ۲۷ سلطان زاده، حسین. (۱۳۸۰). *بازارهای ایرانی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ص ۷۹.
- ۲۸ اولتاریوس، آدام (۱۳۶۳) *سفرنامه اولتاریوس*، ص ۶۱۳.
- ۲۹ همان: ص ۵۹۹.
- ۳۰ نوایی، عبدالحسین، غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۱) *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه*، تهران: سمت. ص ۲۹۲.
- ۳۱ اولتاریوس، آدام. (۱۳۶۳) *سفرنامه اولتاریوس*، ص ۲۶۰.
- ۳۲ کیوانی، مهدی. (۱۳۹۲) *پیش‌ه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی*، تهران: امیرکبیر. ص ۱۵۶.
- ۳۳ اولتاریوس، آدام (۱۳۶۳) *سفرنامه اولتاریوس*، ص ۳۲۰.
- ۳۴ همان: ص ۳۲۰.
- ۳۵ همان: ص ۳۲۱.